



گزارشی درباره کودکان ناپدید شده منطقه ما و راه هایی برای پیشگیری از این رخداد های ناگوار

خطر کودک ربایان را جدی بگیرید

وقتی دخترم را صد می زنم و جواب نمی دهد، بند دلم پاره می شود که نکنم اتفاقی برایش رخ داده باشد.». «

شاهد از غیب رسید و کسی که شاهد بوده شدن کودکی در همین محدوده بود، آنچه آن روز دیده بود، برایمان تعریف کرد: «مدتی پیش پسر بچه ۴، ۵ ساله ای جلوی در خانه شان مشغول بازی کردن بود. اگر اشتباه نکنم ساعت ۲، ۳ بعد از ظهر بود و در کوچه پرنده پر نمی زد. یکی از همین معتمد ها در یک چشم به هم زدنی بچه را مثل یک گونی برنج زیر بغلش زد و فرار کرد. همین که من شروع به سروصدا کردم، چند نفری از اهالی بیرون آمدند و او مجبور شد بچه را همان جا رها کند و پاهای فرار بگذارد. مسئولان این را ببندند که این آخرین مورد نخواهد بود و فکری به حال اینجا بکنند.». «

ربایش در روز روشن

ظهر یکی از روز های ماه مبارک رمضان، بچه ها مثل همیشه در یکی از کوچه های خیابان رسالت مشغول بازی با همدیگر بوده اند. یکی از آن ها که پسر سه ساله بوده، برای آوردن توپش از جمع دیگر بچه ها فاصله می گیرد. چند دقیقه می گذرد که مادر آن پسر بچه سراسیمه و هراسان کوچه به کوچه دنبال پسرش می گردد اما هیچ اثری از او پیدا نمی کند. بچه هایی هم که در کوچه مشغول بازی بوده اند، فقط این صحنه را دیده اند که او دنبال توپش تا پشت خودروی پارک شده دویده و بعد از آن دیگر هیچ خبری از او نشده است. حدس و گمان ها کم کم به یقین تبدیل می شود و بعد از چند باری جستجو و پیدا نشدن کودک، مطمئن می شوند که او را دزدیده اند. در همین گیرودار یکی از همسایه ها که پسر بچه گریان را بغل کرده و مشغول آرام کردنش است، از راه می رسد. آقای همسایه که برای قطع کردن آذیر خود رویش یک لحظه سرش را از لای در حیاط بیرون آورده است، دیده که مردی بچه را از روی زمین بلند کرده و پاهای فرار گذاشته است. او هم فریاد کشان دنبال اومی دود تا اینکه جناب احتمالا دزد تر جیح می دهد که عطای بچه دزدیدن را به لفایش ببخشد.

حال و روز نامناسب دروی

سال گذشته درست همین موقع ها بود که با یک تور خبری به همراه مسئولان روانه حاشیه شهر شدیم تا از نزدیک شاهد مشکلاتشان باشیم. محله دروی و رسالت ۵۹، یکی از مهم ترین مقصدهایمان بود. دروی و به ویژه کال معروفش وضعیت چندان مناسبی نداشت و درست در چند قدمی مان معتمدان مشغول مصرف مواد مخدر بودند. آن روز در لایه لای گله و شکایت ها از بوی گند فاضلاب کال و نبود بوستان در آن محدوده و... صحبت های چند مادر که دست فرزندان ۴، ۵ ساله شان را گرفته بودند، شنیده نشد. یکی از این مادران با اشاره به معتمد هایی که آن سوی کال دروی بی توجه به همه چیز در عوالم خودشان بودند، به ما گفت: «ما از ترس این ها مجبوریم به هر شکلی که هست، بچه های کوچکمان را در خانه حبس کنیم. این معتمد ها نه خدا می شناسند نه پیغمبر. به امام رضا (ع) قسم اگر با زور گیری اموراتشان نگذرد، همین بچه های هم سن و سال پسر مرا می دزدند و می فروشند تا خرج موادشان کنند. چند نفر از همسایه های قدیمی محله مان تعریف کرده اند که سال های خیلی دور چند باری این اتفاق افتاده است.». «

خانم دیگری عنوان کرد: «مگر ما چقدر توانایی داریم که بچه مان را در خانه حبس کنیم که بیرون نرود. آن طرف کال، سمت خواجه ربیع را مرتب کردند و معتمد ها را به این طرف هل دادند. به خدا

استادی - چندی پیش عکس یک دختر هفت ساله اردبیلی در شبکه های اجتماعی دست به دست چرخید. آشنا صلاتی کم شده بود و هیچ کس خبری از او نداشت. پس از چند روز بی خبری جسد او را در پارکینگ پشت خانه یک رنرگز پیدا کردند. هنوز این خبر را هضم نکرده بودیم که دوباره عکس کودکی هشت ماهه اینستاگرام و تلگرام را در نور دید. خود روی پدر بنیتا را دزدیده بودند و طفل هشت ماهه هم در آن بود. دوباره مردم در بهت فرو رفتند. دزدها خود را رها کرده بودند و بنیتا بر اثر گشنگی و تشنگی و گرما جانش را از دست داده بود. هشتگ بنیتا ترند شد و باز هم فضای مجازی پر شد از توصیه های مختلف کارشناسان که چه کنیم این اتفاقات برای بچه های ما رخ ندهد. اما در ادامه نوبت به دست به دست شدن عکس ملیکا علی احمدی یک سال ونیمه در صفحه های اجتماعی مشهدی ها رسید. این بار درست کنار گوشمان در محله سیس آباد یک هفته ای می شد که به گفته مردم و والدین ملیکا او دزدیده شده بود. البته ملیکا (که خوشبختانه در زمان تنظیم نهایی این گزارش پیدا شده بود) اولین نفر نبود که ناپدید می شد و حدود یک ماه پیش هم مشابه این اتفاق برای خانواده دیگری افتاده بود که هنوز از سر نوشت بچه شان بی خبر هستند. شاید رخ دادن چنین حوادثی بعضی مواقع عادی باشد اما چیزی که امروز باعث شده همه روی مواردی از این دست حساس شوند، پشت سر هم اتفاق افتادن آن هاست. شاید بتوان گزارش پیش رو را توصیه نامه ای جمع و جور برای خانواده هایی دانست که بچه کوچک دارند و دوست ندارند این حوادث تلخ برای فرزندشان رخ بدهد...



گم شده